



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

کلمات سخت انگلیسی + ۵۰ کلمه دشوار انگلیسی با معنی

ارسال شده توسط علی اصغر توانا | مقالات زبان انگلیسی | ۴۸.۵۹k بازدید | ۱۴۰۰/۱۱/۲۷



کلمات سخت انگلیسی

واقعاً چه نیازی به یادگیری کلمات سخت در زبان انگلیسی هست؟ اصلاً یادگیری این کلمات جایی به دردم خواهد خورد؟ جواب کوتاه این است، بله. یادگیری این کلمات در آزمونهای انگلیسی و نوشته های و مقالات و خیلی چیزهای دیگر به کار خواهد آمد و در آموزش زبان انگلیسی اهمیت زیادی دارند.

معنا	تلفظ	کلمه	ردیف
نفی کردن / رد کردن / انکار	/abnɪ'geɪʃ(ə)n/	abnegation	۱
بهبود قدرت، ثروت، یا موقعیت اجتماعی	/ə'grɑːndɪz/	aggrandize	۲
اشتیاق	/ə'lakrɪti/	alacrity	۳
نابهنگام	/ə'nakrə'nɪstɪk/	anachronistic	۴
نمونه اولیه (مشابه با نمونه اصلی)	/ɑːkɪ'tɪp(ə)l/	archetypal	۵
زاهد و ریاضت کش	/ə'setɪk/	ascetic	۶
گول زدن / اغفال کردن	/bɪ'ɡaɪl/	beguile	۷
ترغیب (بازبان ریختن)	/blændɪʃm(ə)nt' /	blandishment	۸
گول زدن / خر کردن	/kə'dʒəʊl/	cajole	۹
سنگدل (کسی که به دیگران اهمیت نمی دهد)	/kæləs' /	callous	۱۰

۵۰ کلمه سخت انگلیسی سری دوم

معنا	تلفظ	کلمه	ردیف
همراهی و رفاقت	/kamə'ra:d(ə)ri/	camaraderie	۱۱
بیان غیرمستقیم	/sə:kəmlə'kju:ʃ(ə)n/	circumlocution	۱۲
هیاهو / های و هوی	/klamə' /	clamor	۱۳
آگاه	/kɒ(g)nɪz(ə)nt' /	cognizant	۱۴
تعبیر و تفسیر کردن	/kən'stru: /	construe	۱۵
(شرایط) دوستانه و خوشایند	/kən'vɪvɪəl/	convivial	۱۶
فرد هوچی گر (مثلا در سیاست)	/deməgɒg' /	demagogue	۱۷
لکه دار کردن نام و اعتبار یک نفر	/denɪgrət' /	denigrate	۱۸
پندآموز / آموزنده	/dɪ'daktɪk/	didactic	۱۹
نامتمایز	/dɪsp(ə)rət' /	disparate	۲۰

۵۰ کلمه سخت انگلیسی سری سوم

معنا	تلفظ	کلمه	ردیف
گلچین شده	/ɪ'klektɪk/	eclectic	۲۱
فاحش / سخیف	/ɪ'gri:dʒəs/	egregious	۲۲
اختلاس (همگی با این کلمه آشنا هستیم)	/ɛm'beɪzlm(ə)nt/	embezzlement	۲۳
ناتوان کردن / بی اثر کردن	/ɛnə'veɪt' /	enervate	۲۴
بی دوام و زودگذر	/ɪ'fɛm(ə)r(ə)l/	ephemeral	۲۵
خون سردی / متانت	/ɛkwə'nɪmɪti /	equanimity	۲۶
بی شعور / ابله	/fætʃʊəs' /	fatuous	۲۷
بیجا و بی دلیل	/grə'tju:ɪtəs/	gratuitous	۲۸
تابوشکن / بت شکن	/ɪ'kɒnəklast/	iconoclast	۲۹
ویژگی خاص و غیرعادی یک نفر	/ɪdɪə(ʊ)sɪŋ'krætɪk /	idiosyncratic	۳۰

۵۰ کلمه سخت انگلیسی سری چهارم

معنا	تلفظ	کلمه	ردیف
مقام رسمی / ناگزیر	/ɪnˈkʌmb(ə)nt/	incumbent	۳۱
معتاد / خو گرفته	/ɪnˈvet(ə)rət/	inveterate	۳۲
اختیار گرا (کسی که به اراده آزاد (free will) باور دارد)	/lɪbəˈteɪrɪən/	libertarian	۳۳
شهو تران و افسار گسیخته	/lɪˈsenʃəs/	licentious	۳۴
سخاوت و گشاده دستی	/lɑːˈ(d)ʒəs/	largess	۳۵
متنوع / گوناگون	/mʌltɪˈfeɪrɪəs/	multifarious	۳۶
لجوج / سرسخت	/ɒbdjʊrət/	obdurate	۳۷
طرد	/ɒstrəsɪz(ə)m/	ostracism	۳۸
(حرف) تحقیر آمیز و ناشایست	/pɪˈdʒʊrətɪv/	pejorative	۳۹
ثابت قدم	/pəˈtɪˌneɪʃəs/	pertinacious	۴۰

۵۰ کلمه سخت انگلیسی سری پنجم

معنا	تلفظ	کلمه	ردیف
بی احساس و خونسرد	/flɛg'matɪk/	phlegmatic	۴۱
اعلام کردن	/prɒm(ə)lgeɪt' /	promulgate	۴۲
روزمره	/kwɒ'tɪdɪən/	quotidian	۴۳
سرکش	/rɪ'kalsɪtr(ə)nt/	recalcitrant	۴۴
مقدس نما / مقدس مآب	/sən(k)tɪ'məʊniəs /	sanctimonious	۴۵
نفس گرایی	/sɒlɪpsɪz(ə)m' /	solipsism	۴۶
تعبیر هجوآمیز / تقلید مسخره آمیز	/trævɪsti' /	travesty	۴۷
همه جا حاضر	/ju:'bɪkwɪtəs/	ubiquitous	۴۸
تحول و دگرگونی (معمولا منفی)	/vɪ'sɪsɪtju:d/	vicissitude	۴۹
پرسروصدا (مثلا کسی که با مسائل سیاسی خیلی رک و پرسروصدا مخالفت می کند)	/və(ʊ)'sɪf(ə)rəs/	vociferous	۵۰